

فرهنگ معاصر فارسی - انگلیسی جیبی

تدوین
واحد پژوهش فرهنگ معاصر

ویراسته
کریم امامی



فرهنگ معاصر
چاپ و نشر

تهران ۱۳۹۶

۱-۲۰۰
۳-۲۰۰
۴-۲۰۰
۵-۲۰۰
۶-۲۰۰
۷-۲۰۰
۸-۲۰۰
۹-۲۰۰
۱۰-۲۰۰
۱۱-۲۰۰
۱۲-۲۰۰
۱۳-۲۰۰
۱۴-۲۰۰
۱۵-۲۰۰
۱۶-۲۰۰
۱۷-۲۰۰
۱۸-۲۰۰
۱۹-۲۰۰
۲۰-۲۰۰

راهنمای استفاده از فرهنگ فارسی - انگلیسی

یافتن واژه مورد نظر:

این فرهنگ براساس ترتیب
الفبایی واژه‌های فارسی تنظیم
شده است.

تلفظ:

آبمیوه‌گیری / **ābmivegiri** / اسم.
juicer

در این فرهنگ برای نشان دادن
تلفظ واژه‌های فارسی از شیوه
آوانگاری متداول در فرهنگ‌های
جدید فارسی استفاده شده
است.

عبارات و اصطلاحات:

brush برس / **boros** / اسم.
hairbrush برس مو
to brush برس زدن

عبارات و اصطلاحات مربوط به
هر واژه در ذیل مدخل مربوطه
آمده است.

آ، آ

honour , good name	آبرو / āb(e)ru / اسم.	water ; juice	آب / āb / اسم.
respectable , honourable	آبرومند / āb(e)rumand / صفت.	drinking water	آب آشامیدنی
public toilet(s)	آبریزگاه / ābrizgāh / اسم.	orange juice	آب پرتقال
aquatic creatures , marine life	آبزیان / ābziyān / اسم. [جمع آبی]	to water	آب دادن
pregnant	آبستن / ābestan / صفت.	to shrink	آب رفتن
to be pregnant	آبستن بودن	to melt [vi]	آب شدن
to make pregnant	آبستن کردن	to melt down [vt]	آب کردن
pregnancy	آبستنی / ābestani / اسم.	populated and flourishing , developed	آباد / ābād / صفت.
water-cooler	آب سردکن / ābsardkon / اسم.	to develop ,	آباد کردن
waterfall , cascade	آبشار / ābšār / اسم.	to make habitable	
electro-plating	آبکاری / ābkāri / اسم.	village , settlement	آبادی / ābādi / اسم.
watery ,	آبکی / ābaki / صفت.	watering-can	آبپاش / ābpāš / اسم.
watered down	آب گرمکن / ābgarmkon / اسم.	beer ; ale	آبجو / ābjow / اسم.
geyser , water-heater		juicy ; succulent	آبدار / ābdār / صفت.
		supplying water	آبرسانی / ābresāni / اسم.
		irrigationcanal	کانال آبرسانی
		water-colour(s)	آبرنگ (نقاشی) / ābrang / اسم.

